

## فهرست

FILM	پاسخ	سؤالات	درسنامه
122 min	۲۷۲	۱۵	۶
101 min	۲۷۳	۲۹	۲۱
38 min	۲۷۵	۴۲	۳۵
77 min	۲۷۶	۵۸	۴۸
117 min	۲۷۸	۷۲	۶۴
72 min	۲۸۰	۸۹	۷۹
47 min	۲۸۱	۱۰۲	۹۵
80 min	۲۸۳	۱۱۸	۱۰۹
43 min	۲۸۶	۱۳۲	۱۲۸
30 min	۲۸۷	۱۴۶	۱۳۸
90 min	۲۸۹	۱۶۷	۱۵۵
83 min	۲۹۲	۱۸۷	۱۷۹
50 min	۲۹۴	۲۰۴	۱۹۴
54 min	۲۹۷	۲۲۹	۲۱۶
26 min	۳۰۲	۲۴۸	۲۴۴
60 min	۳۰۴	۲۶۳	۲۵۵

درس اول: ملکا، ذکر تو گویم / شکر نعمت / گمان

درس دوم: مست و هشیار / در مکتب حقایق

درس سوم: آزادی / دفتر زمانه / خاکریز

درس پنجم: دماوندیه / جاسوسی که الاغ بود!

درس ششم: نی‌نامه / آفتاب جمال حق

درس هفتم: درحقیقت عشق / سودای عشق / صبح ستاره‌باران

درس هشتم: از پاریز تا پاریس / سه مرکب زندگی

درس نهم: کویر / بوی جوی مولیان

درس دهم: فصل شکوفایی / تیرانا!

درس یازدهم: آن شب عزیز / شکوه چشمان تو

درس دوازدهم: گذر سیاوش از آتش / به جوانمردی کوش

درس سیزدهم: خوان هشتم / ای میهن!

درس چهاردهم: سی مرغ و سیمرغ / کلان‌تر و اولی‌تر!

درس شانزدهم: کباب گاز / ارمیا

درس هفدهم: خنده تو / مسافر

درس هجدهم: عشق جاودانی / آخرین درس / لطف تو

## امتحان نهایی



۳۲۰	آزمون ۶: دی ماه ۱۴۰۰
۳۲۳	آزمون ۷: خرداد ماه ۱۴۰۱
۳۲۶	آزمون ۸: شهریور ماه ۱۴۰۱
۳۲۹	پاسخ‌نامه تشریحی آزمون ۱ تا ۸

۳۰۸	آزمون ۱: شهریور ماه ۱۳۹۹
۳۱۱	آزمون ۲: دی ماه ۱۳۹۹
۳۱۳	آزمون ۳: خرداد انسانی ۱۴۰۰
۳۱۵	آزمون ۴: خرداد ماه ۱۴۰۰
۳۱۸	آزمون ۵: شهریور ماه ۱۴۰۰

## ستایش



# ملک، ذکر تو گویم

## روایت درس



در ابتدای کتاب، بخشی از **قصیده سنایی غزوی** را با موضوع «ستایش خداوند» می‌خوانی. سنایی در این ابیات ضمن اظهار بندگی خود در برابر خداوند و اشاره به ویژگی‌هایی چون «وحدانیت، فضل، ستارالعیوبی (عیب‌پوشی)، علام‌العیوبی (غیب‌دانی) و... خداوند»، خود را از درک و شناخت دقیق حضرت حق، ناتوان می‌بیند و در پایان از خداوند، طلب مغفرت و عنایت می‌کند.



برای مشاهده  
فیلم آموزشی این درس  
اسکن کنید

### ملک، ذکر تو گویم که تو پاک و خدایی / نروم جز به همان ره که تو ام راه نمایی

**قلمرو زبانی** ملک: پادشاه، خداوند // کاربرد حرف ربط «که» در معنی بیان علت / «ی» (پاکی و خدایی): مخفف فعل اسنادی / م (تو ام): متمم<sup>۲</sup>

**قلمرو ادبی** بیت یادآور مفاهیم سوره «فاتحة الكتاب» است. (تلمیح)

**قلمرو فکری** معنی: خدایا تو را ستایش می‌کنم؛ زیرا [فقط] تو پاک و سزاوار خدایی هستی و فقط به آن راهی که تو به من نشان دهی قدم می‌گذارم. / مفهوم: تنها خداوند، سزاوار ستایش و پیروی است.

### بمه درگاه تو جویم همه از فضل تو پیویم / بمه توحید تو گویم که به توحید سزایی

**قلمرو زبانی** فضل: بخشش، کرم / پوییدن: حرکت به سوی مقصدی برای به دست آوردن و جست‌وجوی چیزی، تلاش، رفتن / سزا: سزاوار، شایسته، لایق // همه: قید / کاربرد حرف ربط «که» در معنی بیان علت

**قلمرو ادبی** جویم، پویم، گویم: جناس ناهمسان

**قلمرو فکری** معنی: فقط درگاه تو را می‌جویم و در پی تو هستم [زیرا می‌دانم] تلاش و حرکت فقط در اثر لطف و فضل توست. فقط تو را به یگانگی می‌ستایم؛ زیرا که تنها تو شایسته یگانگی هستی. / مفهوم: توانایی و جنبش موجودات به برکت لطف و کرم خداوند است. / تنها خداوند، شایسته پرستش است.

۱. برخی از همکاران «ملک» را استعاره در نظر می‌گیرند.

۲. درباره نقش دستوری ضمیر متصل «م» دو نوع خوانش وجود دارد. برخی آن را «متّم» و برخی آن را «مضاف‌الیه» (برای «راهنما») در نظر می‌گیرند. در این بخش با توجه به سابقه طراحی آزمون‌های نهایی، نقش متممی در توضیحات ذکر گردید.

تو حکیمی تو عظیمی تو کبری تو رحیمی | تو نماینده فضلی تو سزاوار شنایی

**قلمرو زبانی** حکیم: دانا به همه چیز، دانای راست کردار، از نام‌های خداوند تعالی؛ بدین معنا که همه کارهای خداوند از روی دلیل و برهان است و کار بیهوده انجام نمی‌دهد. / کریم: بسیار بخشنده، بخشاینده، از نام‌ها و صفات خداوند / رحیم: بسیار مهربان از نام‌ها و صفات خداوند / نماینده: آن‌که آشکار و هویدا می‌کند، نشان دهنده / ثنا: ستایش، سپاس // ثنا (ستایش) هم آوا با سنا (روشنایی)

**قلمرو ادبی** حکیم، کریم، عظیم: مراعات نظیر

**قلمرو فکری** معنی: تو به همه امور دانایی، بزرگی و بسیار بخشنده و مهربانی. تو آشکار کننده بخشش بی‌نهایتی و [تنها] تویی که شایسته ستایشی. / مفهوم: بیان صفات خداوند

تو توان وصف تو گفتن که تو در فهم کنجی | تو توان شبه تو گفتن که تو در وهم نیایی

**قلمرو زبانی** شبه: مانند، مثل، همسان / وهم: پندار، تصوّر، خیال // کاربرد حرف ربط «که» در معنی بیان علت

**قلمرو ادبی** فهم، وهم: جناس ناهمسان / بیت موازنه دارد. (ویژه رشته انسانی) / مصراع دوم به آیه «لیس کمثله شیء» اشاره دارد.

**قلمرو فکری** معنی: تو را نمی‌توان وصف کرد؛ زیرا تو در عقل و اندیشه محدود آدمی، نمی‌گنجی. شبهه و نظیری هم برای تو نمی‌توان یافت زیرا از گمان و تصوّر ما برتری. / مفهوم: ناتوانی انسان از وصف و درک خداوند

همه عزّی و جلالی، همه علمی و تقیّنی | همه نوری و سروری، همه جودی و جزایی

**قلمرو زبانی** عزّ: ارجمندی، گرمی شدن، مقابل ذلّ / جلال: بزرگواری، شکوه، از صفات خداوند که به مقام کبریایی او اشاره دارد. / سرور: شادی، خوشحالی (خرداد ۱۴۰۱) / جود: بخشش، سخاوت، گرم / جزا: پاداش کار نیک // عزّ، جلال، علم، یقین، نور، سرور، جود، جزا: مسند

**قلمرو فکری** معنی: خداوند! وجودت عزیز است و بزرگ است، تو عالم و دانایی و نیاز به اثبات نداری، وجودت پاک است، شادی بخش و بخشنده و پاداش دهنده هستی. / مفهوم: بیان صفات خداوند

همه غیبی تو برانی، همه عیبی تو پوشی | همه بیشی تو بکاهی، همه کمی تو فرایی

**قلمرو زبانی** غیب، عیب، بیش، کم: مفعول

**قلمرو ادبی** عیب، غیب: جناس ناهمسان / کم ≠ بیش / بکاهی ≠ فرایی / اشاره به آیه «تُعَزُّ مَنْ تَشَاءُ وَ تُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ» (تلمیح) (شهررور ۱۴۰۱) / بیت «ترصیع» دارد. (ویژه رشته انسانی)

**قلمرو فکری** معنی: خداوند! تو به همه امور پنهان آگاه هستی (علام الغیوب هستی) و همه خطاها و عیب‌ها را می‌پوشانی (ستار العیوب هستی) و همه کم و زیاد شدن‌ها به دست توست. / مفهوم: عیب‌پوشی و غیب‌دانی خداوند / عزّت و ذلّت به دست خداوند است.

لب و دندان سنایی همه توحید تو گوید | مگر از آتش دوزخ بودش روی ربایی

**قلمرو زبانی** روی: مجازاً امکان، چاره // ش (بودش): متمم

**قلمرو ادبی** لب و دندان: مجاز از کُل وجود / روی: امکان و چاره (مجاز)

**قلمرو فکری** معنی: سنایی با تمام وجود، تو را به یگانگی می‌ستاید به امید آن‌که امکان رهایی از آتش جهنّم برای او وجود داشته باشد. / مفهوم: امید به عنایت خداوند

## درس اول



# شکرِ نعمت

## روایت درس



برای مشاهده  
فیلم آموزشی این درس  
اسکن کنید

در این درس، بخشی آغازین **گلستان سعدی** را می‌خوانی. نثر سعدی، نثری است موزون و **مسجع** که معمولاً با آرایه‌هایی چون «تشبیه، استعاره و ...» همراه است؛ همچنین در نوشتار وی می‌توان «**آمیختگی با شعر**» را مشاهده کرد. سعدی در این متن، ابتدا به ستایش خداوند و ضرورت به جای آوردن شکر نعمات او می‌پردازد (البته در عین حال، انسان را از به جای آوردن شایسته شکر خداوند عاجز می‌داند). و به بخشندگی، روزی رسانی و عیب پوشی پروردگار اشاره می‌کند. وی در ادامه ضمن توصیف فرا رسیدن بهار، به تجلی قدرت خداوند در طبیعت می‌پردازد و معتقد است این‌ها، همه لطف پروردگار است نسبت به انسان و بر انسان واجب است که لحظه‌ای از یاد خداوند غافل نشود و ضمن ستایش پیامبر (ص) به حدیثی از ایشان می‌پردازد که گویای بخشش بی‌انتهای خداوند است. سعدی در ادامه، ضمن بیان داستانی به این موضوع اشاره می‌کند که انسان‌ها از درک و وصف خداوند ناتوانند و عارفانی که نشانه‌هایی از خداوند را دریافت‌اند اجازه و توان بازگو کردن آنها را ندارند.

مَتَّ خدای را، عَزَّوَجَلَّ، که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش **مزید** نعمت.

**قلمرو زبانی** مَتَّ: سپاس، شکر، نیکویی / عَزَّوَجَلَّ: گرامی، بزرگ و بلندمرتبه است؛ بعد از ذکر نام خداوند به کار می‌رود. / طاعت: بندگی، عبادت / قربت: نزدیکی (هم‌آوا با «غربت») / مزید: افزونی، زیادی // مَتَّ خدای را: «را» حرف اضافه در معنی تخصیص / **به شکر اندر**: کاربرد دو حرف اضافه برای متمم / ش / طاعتش و اندرش؛ مضاف الیه / حذف فعل «است» در پایان جمله به قرینه لفظی

**قلمرو ادبی** قربت، نعمت: سجع

**قلمرو فکری** معنی: شکر و سپاس مخصوص خداوند گرامی و بزرگ است که بندگی او موجب نزدیکی به اوست و شکرگزاری از او موجب افزایش نعمت می‌شود. / **مفهوم**: عبادت، موجب نزدیکی به خداوند / شکر نعمت، موجب فراوانی نعمت

هر نفسی که فرو می‌رود، **مُیَدِّ** حیات است و چون برمی‌آید، **مُفَرِّجِ** ذات. پس در هر نفسی دو نعمت موجود است و بر هر نعمتی شکر واجب.

**قلمرو زبانی** مُمد: مدد کننده، یاری دهنده (دی ۹۹) / مَفَرِّجِ: شادی بخش، فرح انگیز // حیات (زندگی) هم آوا با حیاط (محوطه جلوی خانه) / حذف فعل «است» در پایان جمله‌ها به قرینه لفظی. (خرداد ۹۸)

**قلمرو ادبی** فرو می‌رود ≠ برمی‌آید / فرو می‌رود و بر می‌آید، حیات و ذات: سجع

**قلمرو فکری** معنی: هر نفسی که پایین می‌رود (دم)، یاری کننده [ادامه] زندگی است و زمانی که بیرون می‌آید (بازدم)، شادی بخش وجود است؛ بنابراین در هر نفسی دو نعمت وجود دارد و شکرگزاری برای هر نعمتی واجب است. (شهریور ۹۹) / **مفهوم**: زندگی بخش بودن کوچک‌ترین نعمت‌های خداوند و ضرورت شکرگزاری انسان

## از دست و زبان که برآید کز عده شکرش به درآید؟

<b>قلمرو زبانی</b>	بیت استفهام انکاری دارد. // برآید: مضارع اخباری / به درآید: مضارع التزامی / ضمیر متصل «ش» (شکرش): مضاف الیه
<b>قلمرو ادبی</b>	دست: مجاز از کردار / زبان: مجاز از گفتار / دست، زبان: تناسب
<b>قلمرو فکری</b>	معنی: هیچ کس نمی تواند بادست (کردار) و زبان (گفتار) خود، شکر نعمت های خداوند را به جای آورد. / مفهوم: عجز انسان از به جای آوردن شکر خداوند

﴿اعْمَلُوا آلَ دَاوُدَ شُكْرًا وَ قَلِيلًا مِّنْ عِبَادِيَ الشَّاكِرِينَ﴾.

<b>قلمرو ادبی</b>	تضمین: ذکر بخشی از آیه ۱۳ سوره سبأ
<b>قلمرو فکری</b>	معنی: ای خاندان داود شکرگزار باشید و عده کمی از بندگان من شکرگزارند. / مفهوم: ناسپاسی بندگان و ضرورت شکر نعمت

## بنده همان به که ز تقصیر خویش وزنه سزاوار خداوندی اش عذر به درگاه خدای آورد کس نتواند که به جای آورد

<b>قلمرو زبانی</b>	تقصیر: گناه، کوتاهی، کوتاهی کردن // بنده همان به [تر است]: حذف به قرینه معنوی (شهریور ۹۹، خرداد ۹۸)
<b>قلمرو فکری</b>	معنی: همان بهتر است که انسان به خاطر کوتاهی در عبادت و شکرگزاری، از درگاه خداوند، طلب آمرزش کند. بی شک هیچ کس نمی تواند حق نعمات خداوند را آن طور که شایسته خداوند است، به جای بیاورد. / مفهوم: دعوت به توبه و عجز انسان از به جای آوردن شکر خداوند

باران رحمت بی حسابش همه را رسیده و خوان نعمت بی دریغش همه جا کشیده.

<b>قلمرو زبانی</b>	خوان: سفره، سفره فراخ و گشاده // کاربرد «را» در معنی حرف اضافه / حذف فعل «است» از انتهای هر دو جمله به قرینه معنوی
<b>قلمرو ادبی</b>	باران رحمت و خوان نعمت: اضافه تشبیهی / عبارت «ترصیع» دارد. (ویژه رشته انسانی) / رسیده، کشیده: سجع
<b>قلمرو فکری</b>	معنی: رحمت بی اندازه خداوند همچون باران به همه موجودات رسیده و سفره نعمت های فراگیر و بی مضایقه او همه جا گسترده شده. (شهریور ۹۸) / مفهوم: بخشندگی و روزی رسانی خداوند

برده ناموس بندگان به گناه فاحش ندرد و وظیفه روزی به خطای مُنکر نبرد.

<b>قلمرو زبانی</b>	ناموس: آبرو، شرافت/ فاحش: آشکار، واضح/ وظیفه: مقرری، وجه معاش/ روزی: رزق، مقدار خوراک یا وجه معاش که هر کس روزانه به دست می آورد یا به او می رسد؛ وظیفه روزی: رزق مقرّر و معین/ منکر: زشت، ناپسند // کاربرد «به» در معنی «به دلیل»
<b>قلمرو ادبی</b>	برده ناموس و وظیفه روزی: اضافه تشبیهی / پرده دریدن: کنایه از «رسوا کردن» / ندرد، نبرد: سجع
<b>قلمرو فکری</b>	معنی: آبروی بندگان را به دلیل گناه آشکار نمی ریزد و رزق و روزی مقرّر شده را در اثر ارتکاب خطای زشت، قطع نمی کند. (خرداد ۱۴۰۱ و ۹۸، دی ۹۸) / مفهوم: ستار العیوب بودن (عیب پوشی) خداوند/ روزی رسانی خداوند با وجود ارتکاب گناه بندگان

فژاش باد صبا را گفته تا فریش زمردین بگسترند و دایه ابر بهاری را فرموده تا بنات نبات در مهد زمین بپرورد.

<b>قلمرو زبانی</b>	فژاش: فرش گستر، گسترندۀ فرش/ دایه: زنی که به جای مادر به کودک شیر می دهد یا از او پرستاری می کند./ بنات: ج بنت، دختران/ نبات: گیاه، رُستنی / مهد: گهواره // کاربرد «را» در معنی حرف اضافه / حذف فعل «است» از انتهای «گفته و فرموده» به قرینه معنوی
<b>قلمرو ادبی</b>	فژاش باد، دایه ابر، بنات نبات و مهد زمین: اضافه تشبیهی (شهریور ۱۴۰۱) / جان بخشی به «باد، ابر و نبات» / فرش زمردین: استعاره از «سبزه ها» (خرداد ۱۴۰۰، شهریور ۹۸) / فرش، فژاش: اشتقاق (ویژه رشته انسانی) / بگسترند، بپرورد: سجع
<b>قلمرو فکری</b>	معنی: [خداوند] به باد صبا که مانند فرش گسترندۀ ای است فرمان داده تا فرش زمردمانند چمن را پهن کند (سبزه ها را شکوفا کند) همچنین به ابر بهاری که همچون دایه ای است دستور داده تا گیاهان را همچون دخترانی در گهواره زمین پرورش دهد. / مفهوم: فرارسیدن بهار / طبیعت، جلوه ای از محبت و کرم خداوند است. (شهریور ۹۹)

درختان را به خلعبت نوروزی، قبا سبز ورق دربر گرفته و اطفال شاخ را به قدوم موسم ربیع، کلاه شکوفه بر سر نهاده.

<b>قلمرو زبانی</b>	خلعت: جامه ای که بزرگی به کسی بخشد. / قبا: جامه، جامه ای که از سوی پیش، باز است و پس از پوشیدن دو طرف پیش را با دکمه به هم پیوندند. / ورق: برگ/ قدوم: آمدن، قدم نهادن، فرارسیدن/ موسم: فصل، هنگام، زمان/ ربیع: بهار // کاربرد «به» در معنی «به عنوان» / کاربرد «را» فکت اضافه: درختان را ... در بر درختان) و اطفال ... را ... بر سر (بر سر اطفال) / حذف فعل «است» از انتهای «گرفته و نهاده» به قرینه معنوی
<b>قلمرو ادبی</b>	قبا ... ورق، اطفال شاخ و کلاه شکوفه: اضافه تشبیهی / جان بخشی به «درختان و بهار و شاخه ها» / گرفته، نهاده: سجع
<b>قلمرو فکری</b>	معنی: [خداوند] به عنوان هدیه نوروزی، قبای سبزرنگ از جنس برگ بر تن درختان پوشانده است و به مناسبت فرارسیدن فصل بهار، کلاهی از جنس شکوفه بر سر شاخه های درختان گذاشته. / مفهوم: فرارسیدن بهار / طبیعت، جلوه ای از محبت و کرم خداوند است.

## سؤالات تشریحی



رسیدیم به بخش سؤالات ... جایی که باید کمی تأمل کنی تا به جواب «دو سؤال همیشگی» ات برسی ... این که «چگونه از من سؤال خواهند کرد؟» و «من چطور باید جواب بدهم؟» در هر موضوع، شکل‌های متنوعی از سؤالات در نظر گرفته شده تا در صورت تغییرات احتمالی در شیوه طراحی آزمون‌های تشریحی با مشکل مواجه نشوی. در ضمن بعد از پاسخ دادن به سؤالات، حتماً پاسخ تشریحی را بررسی کن تا شیوه نوشتن پاسخ دستت بیاید.

در این بخش علاوه بر سؤالات تألیفی استاندارد و متنوع، همه سؤالات امتحانات نهایی آمده است ولی با توجه به این که آدرس سؤالات نهایی را در درسنامه آورده‌ایم، در این بخش آدرس سؤالات را حذف کردیم.

### الف قلمرو زبانی - معنی واژه

#### معنی هر یک از واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

۱. رحمتِ عالمیان و صفوتِ آدمیان و تَنَمُّهُ دَورِ زمان، محمد ۱۲. عاکفان کعبه جلالش به تقصیر عبادت معترف مصطفی (ص) ۱۳. بار دیگرش به تَضَرُّع و زاری بخواند
۲. همه درگاه تو جویم همه از فضل تو پویم ۱۴. وظیفه روزی به خطایِ مُنْكَر نَبْرَد
۳. وان که دید، از حیرتش کلک از بَنان افکنده‌ای ۱۵. دایه ابر بهاری را فرموده
۴. از این بوستان که بودی، ما را چه تحفه کرامت کردی؟ ۱۶. قسیمِ جسیمِ نسیمِ وسیم
۵. نتوان شیه تو گفتن که تو در وهم نیایی ۱۷. واصفان جلیه جمالش به تحیر منسوب
۶. مگر از آتش دوزخ بُوَدش روی رهایی ۱۸. فزاش باد صبا را گفته
۷. هر نفسی که فرو می‌رود، مُمِدِّ حیات است ۱۹. تخمِ خرمایی به تربیتش نخلِ باسق گشته
۸. پرده ناموس بندگان به گناه فاحش ندرد ۲۰. همه نوری و سروری، همه جودی و جزایی
۹. واصفان جلیه جمالش به تحیر منسوب ۲۱. وظیفه روزی به خطایِ مُنْكَر نَبْرَد
۱۰. درختان را به خَلَعَتِ نوروزی قبا ی سبزِ ورق دربر گرفته ۲۲. یکی از یاران به طریق انبساط گفت
۱۱. شفیع مَطاع نَبِیِّ کریم

۲۳. در دو متن زیر، معنی واژه‌های مشخص شده را در کمانک روبه‌روی آن بنویسید.

الف) مَتَّ (-----) خدای را، عَزَّوَجَلَّ (-----)، که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید (-----) نعمت. هر نفسی که فرو می‌رود، مُمِدِّ (-----) حیات است و چون برمی‌آید، مُمَرِّح (-----) ذات. پس در هر نفسی دو نعمت موجود است و بر هر نعمتی شکری واجب.

ب) درختان را به خَلَعَتِ (-----) نوروزی قبا ی (-----) سبزِ ورق (-----) دربر گرفته و اطفالِ شاخ را به قَدوم (-----) موسیم (-----) ربیع (-----) کلاه شکوفه بر سر نهاده. عَصَارَهُ (-----) تاکی (-----) به قدرت او شهید (-----) فایق (-----) شده و تخم خرمایی به تربیتش نخلِ باسق (-----) گشته.

**۲۴.**

معانی مناسب با واژه‌های ستون راست را از ستون چپ انتخاب کنید. (دو مورد اضافه است.)

الف) شفیع	●	●	۱. واضح
ب) انبساط	●	●	۲. خوش بو
ج) انابت	●	●	۳. سپاس
د) اعراض	●	●	۴. نشان دهنده
ه) نماینده	●	●	۵. روی گردانی
و) ثنا	●	●	۶. پیشیمانی
ز) جسیم	●	●	۷. پاداش کار نیک
ح) حکیم	●	●	۸. خودمانی شدن
ط) تَنان	●	●	۹. پایمرد
ی) فاحش	●	●	۱۰. خوش اندام
ک) صفوت	●	●	۱۱. دانای راست کردار
			۱۲. برگزیده
			۱۳. انگشت

**۲۵.**

از بین واژه‌های «تَنان، فایق، باسوق، نبات، عَزَّ، جود، بنات»، یک برابر معنایی برای واژه‌های «سخاوت»، «برتر» و «رُستنی» به ترتیب، بیابید.

**۲۶.**

به ترتیب برای واژه‌های «دانای راست کردار» و «صاحب جمال» از میان واژه‌های «رحیم، قسیم، کریم، جسیم، وسیم، حکیم»، معادل معنایی بیابید.

**۲۷.**

معادل درست هر یک از توضیحات عرفانی زیر را از داخل کمانک انتخاب کنید.

الف) کمال توّجّه بنده به حق و یقین بر این‌که خداوند در همهٔ احوال، عالم بر ضمیر اوست. (مراقبت / مکاشفت)

ب) از صفات خداوند که به مقام کبریایی او اشاره دارد. (کریم / جلال)

ج) جامه‌ای که از سوی پیش باز است و پس از پوشیدن دو طرف پیش را با دکمه به هم پیوندند. (حلیه / قبا)

**۲۸.**

در بیت «درد و جان‌بازی و ذلّ و غربت است / چون گذشت این چار، پنجم قربت است»، کدام واژه متضاد واژهٔ «عزّ» است؟

**۲۹.**

در بیت «ای مرغِ سحر! عشق ز پروانه بیاموز / کان سوخته را جان شد و آواز نیامد»، فعل «شدن» را از نظر کاربرد معنایی بررسی کنید.

**۳۰.**

در بیت‌های زیر، تفاوت معنایی واژهٔ «وظیفه» را بررسی کنید.

الف) ای نفس چون وظیفهٔ روزی مقرّر است / آزاد باش تا نفسی روزگار هست

ب) وظیفهٔ زن و مرد، ای حکیم، دانی چیست؟ / یکی است کشتی و آن دیگری است کشتیبان

**ب**
**قلمرو زبانی - املا**
**۳۱.**

در گروه کلمه‌های زیر، هشت مورد نادرستی املایی وجود دارد؛ درست هر یک را بنویسید.

«روی گردانی و اعراض - خوش سیما و غسیم - مزید نعمت - محد زمین - مُتاع و فرمان‌روا - جیبِ مراقبت - بحرِ مکاشفت - رهاورد

و تهفه - بظ و مرغابی - وَصیم و دارای مهر پیامبری - مُفَرِّح ذات - پردهٔ ناموث»

**۳۲.**

در گروه کلمه‌های زیر، چهار مورد نادرستی املایی وجود دارد؛ درست هر یک را بنویسید.

«فضل و کرم - بحر و خشکی - هلیهٔ جمال - صَفَوَتِ آدمیان - موصمِ ربیع - گناه فاهش - مدح و سنا»

**۳۳.**

جدول زیر را کامل کنید.

واژه	هم‌آوا	مترادف
قربت	-----	-----
ثنا	-----	-----
حیات	-----	-----
خوان	-----	-----
منسوب	-----	-----
بحر	-----	-----

■ با توجه به معنی، واژه درست را انتخاب کنید.

۳۴. چه باک از موج ----- آن را که باشد نوح کشتیان؟ (بهر / بحر)  
 ۳۵. هر نفسی که فرو می‌رود، مُمید ----- است (حیاط / حیات)  
 ۳۶. تو نمایندهٔ فضلی تو سزاوار ----- (سنایی / ثنایی)  
 ۳۷. طاعتش موجب ----- است و به شکر اندرش مزید نعمت (قربت / غربت)

■ املاي درست هر واژه را از داخل کمانک انتخاب کنید.

۳۸. (خوان / خان) نعمت بی‌دریغش همه جا کشیده  
 ۳۹. نتوان (شیخ / شبه) تو گفتن که تو در وهم نیایی  
 ۴۰. واصفان جلیهٔ جمالش به تحیر (منسوب / منسوب)

■ در هر یک از موارد زیر، یک نادرستی املایی یابید و درست آن را بنویسید.

۴۱. اطفالِ شاخ را به قدومِ موسمِ ربیعِ کلاهِ شکوفه بر سر نهاده. ۴۷. پردهٔ ناموس بندگان به گناهِ فاهش ندرد.  
 ۴۲. سر به جیبِ مراقبت فرو برده بود و در بحرِ مکاشفت مستغرق شده. ۴۸. آن‌گه که از این معاملات بازآمد، یکی از یاران به طریق انبسات گفت.  
 ۴۳. چون بارها بیازمود و حاصلی ندید، فروگذاشت. ۴۹. آکفانِ کعبهٔ جلالش به تقصیر عبادت معترف.  
 ۴۴. رحمتِ عالمیان و سفوتِ آدمیان و تَتَمُّهُ دَورِ زمان، محمّد مصطفی (ص). ۵۰. دستِ عنایت به امید اجابت به درگاه حق جَلَّ وَعَلَا بردارد.  
 ۴۵. واصفان هلیهٔ جمالش به تحیر منسوب. ۵۱. بار دیگرش به تززع و زاری بخواند.  
 ۴۶. عُصارَةُ تاکی به قدرتِ او شهیدِ فایغ شده. ۵۲. تخمِ خرمایی به تربیتش نخلِ باصق گشته.

ج قلمرو زبانی - دستور

■ نقش دستوری واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

۵۳. عُصارَةُ تاکی به قدرتِ او شهیدِ فایغ شده  
 ۵۴. پردهٔ ناموس بندگان به گناهِ فاحش ندرد  
 ۵۵. درختان را به خِلعَتِ نوروزی قبای سبزِ ورق دربر گرفته  
 ۵۶. ملکا، ذکر تو گویم که تو پاکی و خدایی  
 ۵۷. اطفالِ شاخ را قدومِ موسمِ ربیعِ کلاهِ شکوفه بر سر نهاده  
 ۵۸. وظیفهٔ روزی به خطایِ مُنکر نبرد  
 ۵۹. فراشِ بادِ صبا را گفته تا فرشِ زمردین بگسترده  
 ۶۰. همه غیبی تو بدانی، همه عیبی تو بیوشی  
 ۶۱. همه از بهر تو سرگشته و فرمانبردار  
 ۶۲. بارانِ رحمت بی حسابش همه را رسیده  
 ۶۳. گنه بنده کرده‌ست و او شرمسار  
 ۶۴. بنده همان به که ز تقصیرِ خویش عذر به درگاهِ خدای آورد  
 ۶۵. دایهٔ ابر بهاری را فرموده تا بناتِ نبات در مهد زمین پیرورد.

■ نقش دستوری ضمائر متصل را در هر بیت یا عبارت مشخص کنید.

۶۶. هیچ نقاشت نمی‌بیند که نقشی برکشد  
 ۶۷. ایزد تعالی در او نظر نکند بازش بخواند؛ باز اعراض فرماید. بار دیگرش به تَضَرُّع و زاری بخواند  
 ۶۸. چون برسیدم، بوی گُلِم چنان مست کرد که دامنم از دست برفت!



۶۹. با توجه به عبارت زیر، درستی یا نادرستی موارد داده شده را تعیین کنید.  
 «طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت. هر نفسی که فرو می‌رود، مُیِّدِ حیات است و چون برمی‌آید، مُفَرِّحِ ذات. پس در هر نفسی دو نعمت موجود است و بر هر نعمتی شکری واجب.»  
 الف) در عبارت سؤال، سه بار فعل به قرینه لفظی حذف شده است. (درست / نادرست)  
 ب) در عبارت سؤال، یک بار متمم به شیوه تاریخی به کار رفته است. (درست / نادرست)  
 ج) واژگان مشخص شده، نقش دستوری یکسانی دارند. (درست / نادرست)
۷۰. نوع حذف فعل را در هر یک از موارد زیر تعیین کنید.  
 الف) چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیان؟  
 ب) پس در هر نفسی دو نعمت موجود است و بر هر نعمتی شکری واجب  
 ج) ای مرغ سحر! عشق ز پروانه بیاموز  
 د) بنده همان به که ز تقصیر خویش / عذر به درگاهِ خدای آورد
۷۱. در بیت «بنده همان به که ز تقصیر خویش / عذر به درگاهِ خدای آورد» چه فعلی حذف شده است؟ قرینه آن را بنویسید.

## د قلمرو ادبی - آرایه‌های ادبی

۷۲. اضافه‌های تشبیهی را در عبارات زیر مشخص کنید.  
 «فَراشِ بادِ صبا را گفته تا فرش زمردین بگسترَد و دایهٔ ابر بهاری را فرموده تا بناتِ نبات در مهد زمین پیرورد. درختان را به خَلَعَتِ نوروژی قبای سبزِ ورق دربر گرفته و اطفالِ شاخ را قدومِ موسمِ ربیعِ کلاه شکوفه بر سر نهاده.»
- در هر یک از موارد زیر، با توجه به بخش‌های مشخص شده، کدام آرایهٔ ادبی دیده می‌شود؟
۷۳. لب و دندان سنایی همه توحید تو گوید مگر از آتش دوزخ بُودش روی رهایی
۷۴. یکی از یاران به طریقی انبساط گفت: «از این بوستان که بودی، ما را چه تحفه کرامت کردی؟»
۷۵. ملکا، ذکر تو گویم که تو پاکی و خدایی نروم جز به همان ره که توام راه‌نمایی
۷۶. پردهٔ ناموس بندگان به گناه فاحش ندرد و وظیفهٔ روزی به خطای مُنکر نبرد.
۷۷. فَرّاشِ بادِ صبا را گفته تا فرش زمردین بگسترَد
۷۸. آید از مهد زمین طفل نباتی بیرون دایه ابر دهد پرورش او به کنار
۷۹. چشم جان در شهود شاهد غیب پا به دامن کشیده سر در جیب
۸۰. در هر یک از موارد زیر، آرایهٔ درست را از کمانک مقابل آن، انتخاب کنید.  
 الف) باران رحمت بی حسابش همه را رسیده و خوان نعمت بی دریغش همه جا کشیده. (استعاره / تشبیه)  
 ب) چه غم دیوارِ اَمّت را که دارد چون تو پشیمان؟ (تلمیح / اغراق)  
 ج) همه غیبی تو بدانی، همه عیبی تو بیوشی همه بیشی تو بکاهی، همه کمی تو فزایی (تلمیح / تشبیه)  
 د) همه درگاه تو جویم همه از فضل تو پویم همه توحید تو گویم که به توحید سزایی (جناس همسان / جناس ناهمسان)  
 ه) فَرّاشِ بادِ صبا را گفته تا فرش زمردین بگسترَد. (استعاره / تضمین)
۸۱. با توجه به نوشتهٔ زیر، به پرسش‌ها پاسخ دهید.  
 «گفت: «به خاطر داشتم که چون به درختِ گل رسم، دامنی پُر کنم هدیهٔ اصحاب را. چون برسیدم، بوی گُل چنان مست کرد که دامنم از دست برفت!»  
 الف) کاربرد آرایهٔ کنایه را در عبارت فوق بررسی کنید.  
 ب) قسمت مشخص شده در متن گویای کدام آرایهٔ ادبی است؟
۸۲. مفهوم نمادین هر یک از واژه‌های مشخص شده را بنویسید.  
 ای مرغِ سحر! عشق ز پروانه بیاموز / کان سوخته را جان شد و آواز نیامد

فارسی ۳

# پاسخ‌نامه تشریحی

دروس ۱  
ستایش، شکر نعمت

- ۱ | تتمهٔ دور زمان: مایهٔ تمامی و کمال گردش روزگار، مایهٔ تمامی و کمال دور زمان رسالت
- ۲ | پویندن: حرکت به سوی مقصدی برای به دست آوردن و جست‌وجوی چیزی، تلاش، رفتن
- ۳ | بتان: سرانگشت، انگشت
- ۴ | کرامت کردن: عطا کردن، بخشیدن
- ۵ | شبهه: مانند، مثل، همسان
- ۶ | روی: مجازاً امکان، چاره
- ۷ | مُمد: مدد کننده، یاری دهنده
- ۸ | ناموس: آبرو، شرافت
- ۹ | حلیه: زیور، زینت
- ۱۰ | خلعت: جامه‌ای که بزرگی به کسی بخشد.
- ۱۱ | مطاع: فرمانروا، اطاعت شده، کسی که دیگری فرمان او را می‌برد.
- ۱۲ | عاکفان: چ عاکف، کسانی که در مدتی معین در مسجد بمانند و به عبادت پردازند.
- ۱۳ | تَضَع: زاری کردن، التماس کردن
- ۱۴ | منکر: زشت، ناپسند
- ۱۵ | دایه: زنی که به جای مادر به کودک شیر می‌دهد یا از او پرستاری می‌کند.
- ۱۶ | وسیم: دارای نشان پیامبری
- ۱۷ | واصفان: چ واصف، وصف‌کنندگان، ستاینندگان
- ۱۸ | فُزّاش: فرش‌گستر، گسترندهٔ فرش
- ۱۹ | باسق: بلند، بالیده
- ۲۰ | جود: بخشش، سخاوت، گرم
- ۲۱ | وظیفه: مقرّری، وجه معاش
- ۲۲ | انبساط: حالتی که در آن، احساس بیگانگی و ملاحظه و رودربایستی نباشد؛ خودمانی شدن
- ۲۳ | الف | مَتت: سپاس، شکر، نیکویی / عَزَّوَجَلَّ: گرامی، بزرگ و بلندمرتبه است؛ بعد از ذکر نام خداوند به کار می‌رود. / مزید: افزونی، زیادی / مُمد: مدد کننده، یاری دهنده/مفّح: شادی‌بخش، فرح‌انگیز
- ب | خلعت: جامه‌ای که بزرگی به کسی بخشد / قبا: جامه، جامه‌ای که از سوی پیش باز است و پس از پوشیدن دو طرف پیش را با دکمه به هم پیوندند./ورق: برگ/قدوم: آمدن، قدم نهادن، فرارسیدن/موسم: فصل، هنگام، زمان/ربیع: بهار/عُصاره: آبی که از فشردن میوه یا چیز دیگر به دست آورند؛ افشره، شیره/تاک: درخت انگور، رز/شهد: عسل؛ شهد فایق: عسل خالص/فایق: برگزیده، برتر/باسق: بلند، بالیده
- ۲۴ | الف | ۹ / ب | ۸ / ج | ۶ / د | ۵ / ه | ۴ / و | ۳ / ز | ۱۰ / ح | ۱۱ / ط | ۱۳ / ی | ۱ / ک | ۱۲
- ۲۵ | جود: بخشش، سخاوت، گرم / فایق: برگزیده، برتر / نبات: گیاه، رُستنی

- ۲۶ | دانای راست کردار: حکیم / صاحب جمال: قسیم
- ۲۷ | الف | مراقبت: در اصطلاح عرفانی، کمال توجه بنده به حق و یقین بر این‌که خداوند در همهٔ احوال، عالم بر ضمیر اوست؛ نگاه داشتن دل از توجه به غیرحق (مکاشفت: کشف کردن و آشکار ساختن، در اصطلاح عرفانی، پی بردن به حقایق است).
- ب | جلال: بزرگواری، شکوه، از صفات خداوند که به مقام کبریایی او اشاره دارد. (کریم: بسیار بخشنده، بخشاینده، از نام‌ها و صفات خداوند)
- ج | قبا: جامه، جامه‌ای که از سوی پیش باز است و پس از پوشیدن دو طرف پیش را با دکمه به هم پیوندند. (حلیه: زیور، زینت)
- ۲۸ | دُلّ = عَزّ
- ۲۹ | فعل «شدن» در معنی «رفتن» به کار رفته.
- ۳۰ | وظیفه در بیت «الف» در معنی «مقرّری، وجه معاش» به کار رفته و در بیت «ب» در معنی «تکلیف»
- ۳۱ | اعراض - قسیم - مزید - مهد - مطاع - تحفه - وسیم - ناموس
- ۳۲ | حلیه - موسم - فاحش - ثنا
- ۳۳ |

واژه	هم‌آوا	مترادف
قربت	غربت	نزدیکی
ثنا	سنا	ستایش، سپاس
حیات	حیاط	زندگی
خوان	خان	سفره، سفرهٔ فراخ و گشاده
منسوب	منصوب	نسبت داده شده
بحر	بهر	دریا

- ۳۴ | بحر
- ۳۵ | حیات
- ۳۶ | ثنایی
- ۳۷ | قربت
- ۳۸ | خوان
- ۳۹ | شبهه
- ۴۰ | منسوب
- ۴۱ | موسم
- ۴۲ | مستغرق
- ۴۳ | فروگذاشت
- ۴۴ | صَفَوَت
- ۴۵ | حَلِیْه
- ۴۶ | فایق
- ۴۷ | فاحش
- ۴۸ | انبساط
- ۴۹ | عاکفان
- ۵۰ | انابت
- ۵۱ | تَضَع
- ۵۲ | باسق
- ۵۳ | مضاف‌الیه - مسند
- ۵۴ | مفعول - صفت
- ۵۵ | متمّم - صفت
- ۵۶ | منادا - مسند
- ۵۷ | مضاف‌الیه - مفعول
- ۵۸ | مفعول - متمّم
- ۵۹ | متمّم - مفعول
- ۶۰ | مفعول - نهاد
- ۶۱ | نهاد - مسند
- ۶۲ | نهاد - متمّم
- ۶۳ | مفعول - مسند
- ۶۴ | نهاد - مسند
- ۶۵ | متمّم - مفعول

- ۹۷ | یادم بود که وقتی به درخت گل معرفت نسبت به خداوند برسم، نشانه‌هایی از آن معارف و حقایق الهی را به عنوان هدیه برای دوستان بیاورم.
- ۹۸ | پرستش‌کنندگان و گوشه‌نشینان کعبه بزرگی و عظمت خداوند (صفات جلالیه) به کوتاهی در عبادت این گونه اعتراف می‌کنند که: «تو را چنان که شایسته است پرستش نکردیم.»
- ۹۹ | تمام پدیده‌های هستی [به فرمان خدا] مدام در تلاشند تا تو روزی خود را به دست آوری و در عین حال از یاد خدا غافل نباشی.
- ۱۰۰ | ناتوانی انسان از وصف و درک خداوند
- ۱۰۱ | عجز انسان از به جای آوردن شکر خداوند
- ۱۰۲ | خاموشی و رازداری عاشقانه
- ۱۰۳ | ستارالعیوبی (عیب پوشی) خداوند
- ۱۰۴ | مورد (ب)
- ۱۰۵ | مورد (الف) / بی خبری عاشقانه یا ناتوانی عاشق از وصف معشوق
- ۱۰۶ | تسلیم و خاموشی عاشقانه
- ۱۰۷ | مورد (ب) / شکر نعمت، موجب فراوانی نعمت می‌شود.
- ۱۰۸ | به شکل خودمانی
- ۱۰۹ | الف / ۶ / ب / ۳ / ج / ۵ / د / ۱ / ه / ۲
- ۱۱۰ | مورد (ب) / ناتوانی انسان از درک و وصف خداوند
- ۱۱۱ | کوتاهی در عبادت - گناه
- ۱۱۲ | الف / ۴ / ب / ۱ / ج / ۲
- ۱۱۳ | آن که
- ۱۱۴ | در اصطلاح عرفانی، کمال توجّه بنده به حق و یقین بر این که خداوند در همه احوال، عالم بر ضمیر اوست؛ نگاه داشتن دل از توجّه به غیر حق

### درس ۲ مست و هشیار

- ۱۱۵ | والی: حاکم، فرمانروا
- ۱۱۶ | واعظ: پنددهنده، سخنور اندرزگو
- ۱۱۷ | غرامت: تاوان، جبران خسارت مالی و غیر آن
- ۱۱۸ | دار ملک: دارالملک، پایتخت، سرزمین
- ۱۱۹ | ختمار: می فروش
- ۱۲۰ | تزویر: نیرنگ، دورویی، ریاکاری
- ۱۲۱ | وجه: ذات، وجود
- ۱۲۲ | دینار: واحد پول؛ سگّه طلاکه در گذشته رواج داشته است. (پول)
- ۱۲۳ | اکراه: ناخوشایند بودن، ناخوشایند داشتن امری
- ۱۲۴ | افسار: تسمه و ریسمانی که به سروگردن اسب والاغ و... می‌بندند.
- ۱۲۵ | صنعت: پیشه، کار، حرفه
- ۱۲۶ | ادیب: آداب‌دان، ادب‌شناس، سخن‌دان (معلم و مربی)
- ۱۲۷ | داروغه: پاسبان و نگهبان، شب‌گرد
- ۱۲۸ | الف / درهم / ب / حد / ج / محتسب / د / زاهد
- ۱۲۹ | فعل «نیست» در مصراع الف به معنی «وجود ندارد» است و در مصراع ب، کارکرد اسنادی دارد.
- ۱۳۰ | الف / اسنادی / ب / رفتن / ج / اسنادی / د / اسنادی
- ه اسنادی
- ۱۳۱ | مورد (ب) (در معنی «مجازات شرعی»)
- ۱۳۲ | «حد» اول در معنی «کیفر و مجازات شرعی برای گناهکار و مجرم» به کار رفته و «حد» دوم در معنی «اندازه»

- ۶۶ | مفعول
- ۶۷ | مفعول - مفعول
- ۶۹ | الف درست ب درست ج درست
- ۷۰ | الف حذف به قرینه معنوی ب حذف به قرینه لفظی
- ج حذف به قرینه معنوی د حذف به قرینه معنوی
- ۷۱ | است / معنوی
- ۷۲ | فزاش باد / دایه ابر / بنات نبات / مهد زمین / قبای سبز ورق / اطفال شاخ / کلاه شکوفه
- ۷۳ | مجاز
- ۷۴ | استعاره
- ۷۵ | استعاره
- ۷۹ | کنایه
- ۸۰ | الف تشبیه
- ب تلمیح ج تلمیح
- د جناس ناهمسان ه استعاره
- ۸۱ | الف دامنم از دست برفت ب استعاره
- ۸۲ | مدعی / عاشق حقیقی
- ۸۳ | کلیده و دمنه: نصرالله منشی / نثر (یا نثر آمیخته با شعر) گلستان: سعدی / نثر (یا نثر آمیخته با شعر)
- ۸۴ | به باد صبا که مانند فرش گسترده‌ای است فرمان داده تا فرش زمردمانند چمن را بپهن کند. (سبزه‌ها را شکوفا کند.)
- ۸۵ | ستاینندگان زیور جمال خداوند (صفات جمالیه) به سرگشتگی و حیرانی منسوب شده‌اند؛ چراکه می‌گویند: «تو را چنان که سزاوار شناسایی توست نشناختیم.»
- ۸۶ | به ابر بهاری که همچون دایه‌ای است دستور داده تا گیاهان را همچون دخترانی در گهواره زمین پرورش دهد.
- ۸۷ | اّمّت مسلمان همچون دیواری است که هرگز غمی [از فروریختن] ندارد؛ زیرا پشتیبانی مانند تو دارد، همچنان که اگر کسی ناخدایی مانند نوح داشته باشد از امواج دریا ترسی ندارد.
- ۸۸ | ای بلبل مدعی! عشق راستین را از پروانه بیاموز؛ زیرا جان خود را در راه معشوق از دست داد و در عین حال، سکوت اختیار کرد.
- ۸۹ | هیچ نقاشی تو را نمی‌بیند که نقشی از تو بکشد و هر کس که تو را دید به خاطر حیرت، قلم را از دستش انداخته‌ای.
- ۹۰ | خداوند! تو به همه امور پنهان آگاه هستی (علام الغیوب هستی) و همه خطاها و عیب‌ها را می‌پوشانی (ستارالعیوب هستی) و همه کم و زیاد شدن‌ها به دست توست.
- ۹۱ | به عنوان هدیه نوروزی، قبای سبزرنگ از جنس برگ بر تن درختان پوشانده است.
- ۹۲ | اما هنگامی که به آن جا (حالت عرفانی) رسیدم، لذت تجلی خداوند چنان مرا مست و شیفته خود کرد که اختیار خود را از دست دادم.
- ۹۳ | فقط درگاه تو را می‌جویم و در پی تو هستم [زیرا می‌دانم] تلاش و حرکت فقط در اثر لطف و فضل توست. فقط تو را به یگانگی می‌ستایم، زیرا که تنها تو شایسته یگانگی هستی.
- ۹۴ | [بنده] بار دیگر خداوند را با التماس و زاری صدا می‌زند.
- ۹۵ | میزان بخشش و لطف خداوند را ببین؛ در حالی که بنده گناه کرده او شرمنده است.
- ۹۶ | اگر کسی اوصاف خداوند را از من بپرسد، نمی‌توانم چیزی بگویم؛ چگونه می‌تواند عاشق از معشوق بی‌نشان خود چیزی بیان کند؟



ساعت شروع: ۸ صبح

آزمون نوبت دوم

**آزمون ۱: شهریور ۱۳۹۹**

ردیف	سؤالات امتحانی	نمره
	<b>قلمرو زبانی (۶ نمره)</b>	
۱	معنی هر یک از واژه‌های مشخص شده را بنویسید. الف) تخم خرمایی به تربیتش نخل <u>باسق</u> گشته ب) بخروش چو شرزو شیراز <u>غند</u> ج) پروانه <u>قوت</u> از عشق آتش خورد. د) آسمان، <u>تفرجگاه</u> مردم کویر است.	۱
۲	واژه «طاق» در جمله «دیوارهای کهن روم که هنوز طاق ضربی دروازه‌های آن باقی است» با همین واژه در کدام مصراع هم معنی است؟ ۱) طاق پذیراست عشق، جفت نخواهد حریف ۲) چون ابروی معشوقان با طاق و رواق است	۰/۲۵
۳	در بیت زیر، کدام واژه متضاد واژه «شاد» است؟ «چو بشنید خسرو، از آن شاد گشت روانش ز اندیشه آزاد گشت»	۰/۲۵
۴	املای درست را از داخل کمانک انتخاب کنید. الف) می دانید که من بیش از همه (مُصر - مُسر) بودم در شنیدن حرف‌های شما. ب) غرق غباریم (قریت - غربت) با من بیا سمت باران	۰/۵
۵	در همه گزینه‌ها به جز گزینه ..... نادرستی املایی دیده می‌شود. ۱) آخرین مرغ هایشان را در آخرین فشنگ هایشان می‌ریختند. ۲) آن شب نیز / صورت سرمای دی، بیدادها می‌کرد. ۳) طاووس نیز چنین عذر آورد که من مرغی بهشتی‌ام. ۴) اما سیاوش که آذرم و حیا و پاکدامنی آموخته است، تن به گناه نمی‌سپارد.	۰/۲۵
۶	در گروه کلمه‌های زیر، سه مورد نادرستی املایی وجود دارد؛ درست هر یک را بنویسید. حریوه خوب و پاک‌آیین - فخر و مباهات - طلالو پرشکوه - تمایل و خاسته - شرحه شرحه و پاره پاره - تماشا و نظاره	۰/۷۵
۷	فعل «ساخت»، در مصراع «نشد تنگ دل، جنگ آتش بساخت» با همین واژه در کدام گزینه کاربرد معنایی یکسانی دارد؟ ۱) او در مراغه رصدخانه‌ای بزرگ ساخت. ۲) آن نامدار لشگری عظیم ساخت. ۳) استاد موسیقی، آهنگ زیبایی ساخت. ۴) او با نامالییات زندگی ساخت.	۰/۲۵
۸	در نمونه‌های زیر، نوع وابسته و وابسته مشخص شده را بنویسید. الف) برنامه کدام سفر؟ ب) دوست بسیار نامهربان	۰/۵
۹	در سروده زیر یک «پیوند وابسته‌ساز» و یک «پیوند هم‌پایه‌ساز» مشخص کنید. آیا چیزی در مخیله آدمی می‌گنجد که قلم بتواند آن را بنگارد / اما جان صادق من آن را برای تو ترسیم نکرده باشد؟	۰/۵
۱۰	با توجه به ابیات زیر، به پرسش‌ها پاسخ دهید. «سیاوش چنین گفت کای شهریار پراندیشه شد جان کاووس کی الف) کدام واژه در نقش منادا به کار رفته است؟ ب) کارکرد «را» در بیت اول چیست؟ ج) یک ترکیب اضافی در بیت دوم بیابید و بنویسید.	۰/۷۵
۱۱	با توجه به نوشته زیر، به پرسش‌ها پاسخ دهید. «برف کوه هنوز آب نشده است. گل و گیاه، پشم گوسفندان را رنگین کرده است. نامه برادر با من همان کرد که شعرو چنگ رودکی با امیرسامانی.» الف) ساختار دستوری کدام جمله، مطابق با الگوی «نهاد + مفعول + مسند + فعل» است؟ ب) نوع «واو» بین واژه‌های «شعرو چنگ» ربط است یا عطف؟ ج) زمان فعل «نشده است» ماضی نقلی است یا التزامی؟ د) در این عبارت، حذف فعل به قرینه لفظی است یا معنوی؟	۱

قلمرو ادبی (۵/۵) (نمره)													
۱/۵	<p>در بیت‌های زیر، جاهای خالی را با مصراع یا واژه‌های مناسب کامل کنید.</p> <p>الف) ای مهربان‌تر از برگ در بوسه‌های باران .....</p> <p>ب) حُسن شهادت از همه حسنی فراتر است .....</p> <p>ج) اگر مستم اگر هوشیار .. به سوی تو بود روی سجودم .....</p>												
۰/۵	<p>زمینهٔ حماسی متناسب با هربیت را از کمانک مقابل آن انتخاب کنید.</p> <p>الف) چنین است سوگند چرخ بلند که بری‌گناهان نیاید گزند (ملّی / قهرمانی)</p> <p>ب) همگنان خاموش / گرد برگردش به کردار صدف برگرد مروارید / پای تا سرگوش (خرق عادت / داستانی)</p>												
۰/۵	<p>در سرودهٔ زیر، دو نمونه آرایهٔ «تشخیص» بیابید و بنویسید.</p> <p>«این‌گونه است که عشق جاودانی همواره معشوق را جوان می‌بیند / ... / و نخستین احساس عشق را در جایی می‌جوید که خود در آن جا به دنیا آمده است / همان‌جا که شاید اینک دست زمان و صورت ظاهرش، مرده نشانش دهد.»</p>												
۰/۲۵	<p>آرایهٔ ذکرشده در مقابل همهٔ ابیات، به جز گزینهٔ ..... درست است.</p> <p>۱) گفت مستی، زان سبب افتان و خیزان می‌روی</p> <p>۲) شانه می‌آید به کار زلف در آشفستگی</p> <p>۳) چو خواهی که پیدا کنی گفت و گوی</p> <p>۴) عاشق آن باشد که چون آتش بود</p> <p>گفت جرم راه رفتن نیست، ره هموار نیست (حسن تعلیل)</p> <p>آشنایان را در ایام پریشانی پیرس (اسلوب معادله)</p> <p>بیاید زدن سنگ را بر سبوی (کنایه)</p> <p>گرم‌رو سوزنده و سرکش بود (تشبیه)</p>												
۱	<p>در هریک از سروده‌های ستون اول، کدام یک از آرایه‌های ستون دوم دیده می‌شود؟ (یک بیت در ستون اول اضافی است.)</p> <table border="1"> <thead> <tr> <th>ستون اول</th> <th>ستون دوم</th> </tr> </thead> <tbody> <tr> <td>الف) محرم این هوش جز بیهوش نیست / مرزبان را مشتری جز گوش نیست</td> <td>ایهام</td> </tr> <tr> <td>ب) بربل آن چاه / سایه‌ای را دید / او شغاد آن نابرد بود / که درون چه نگه می‌کرد</td> <td>اسلوب معادله</td> </tr> <tr> <td>ج) رخ شاه کاووس پرشرم دید / سخن گفتنش با پسر نرم دید</td> <td>حسن تعلیل</td> </tr> <tr> <td>د) جامه‌ای کاو نشود غرقه به خون بهروطن / بدر آن جامه که ننگ تن و کم از کفن است</td> <td>حسن آمیزی</td> </tr> <tr> <td>ه) تا چشم بشر نبیند روی / بنهفته به ابر چهر دل‌بند</td> <td></td> </tr> </tbody> </table>	ستون اول	ستون دوم	الف) محرم این هوش جز بیهوش نیست / مرزبان را مشتری جز گوش نیست	ایهام	ب) بربل آن چاه / سایه‌ای را دید / او شغاد آن نابرد بود / که درون چه نگه می‌کرد	اسلوب معادله	ج) رخ شاه کاووس پرشرم دید / سخن گفتنش با پسر نرم دید	حسن تعلیل	د) جامه‌ای کاو نشود غرقه به خون بهروطن / بدر آن جامه که ننگ تن و کم از کفن است	حسن آمیزی	ه) تا چشم بشر نبیند روی / بنهفته به ابر چهر دل‌بند	
ستون اول	ستون دوم												
الف) محرم این هوش جز بیهوش نیست / مرزبان را مشتری جز گوش نیست	ایهام												
ب) بربل آن چاه / سایه‌ای را دید / او شغاد آن نابرد بود / که درون چه نگه می‌کرد	اسلوب معادله												
ج) رخ شاه کاووس پرشرم دید / سخن گفتنش با پسر نرم دید	حسن تعلیل												
د) جامه‌ای کاو نشود غرقه به خون بهروطن / بدر آن جامه که ننگ تن و کم از کفن است	حسن آمیزی												
ه) تا چشم بشر نبیند روی / بنهفته به ابر چهر دل‌بند													
۰/۲۵	<p>در بیت زیر، «شب» نماد چه مفهومی است؟</p> <p>«آن‌جا در آن برزخ سرد در کوچه‌های غم و درد غیر از شب آیا چه می‌دید چشمان تار من و تو»</p>												
۰/۵	<p>در عبارت «بدان که از جملهٔ نام‌های حسن یکی جمال است و یکی کمال.» کدام واژه‌ها «سجع» دارند؟</p>												
۰/۵	<p>نام پدیدآورندهٔ هریک از آثار زیر را بنویسید.</p> <p>الف) در حیاط کوچک پاییز در زندان:</p> <p>ب) تذکرة الأولیا:</p>												
۰/۵	<p>نام پدیدآورندهٔ کدام مورد از آثار زیر درست است؛ آن را مشخص کنید.</p> <p>الف) قصه‌های دوشنبه (آلفونس دوده)</p> <p>ب) هوا را از من بگیر، خنده‌ات را نه! (شکسپیر)</p> <p>ج) داستان کباب غاز (رضا امیرخانی)</p> <p>د) قطعهٔ مسافر (گوته)</p>												

**قلمرو فکری (۸/۵ نمره)**

<p>۱ ۰/۵ ۱ ۰/۵ ۰/۵</p>	<p>معنی هریک از موارد زیر را به نثر روان بنویسید.                      (الف) هر نفسی که فرو می‌رود ممد حیات است و چون برمی‌آید، مفرح ذات.                      (ب) هر کسی از ظنّ خود شد یار من                      (ج) ورایدون که زمین کار هستم گناه                      (د) آدمی به هر جا می‌رود، گمان می‌کند به غایت القصوای مقصود خود رسیده است.                      (ه) وانیامد در جهان زمین راه کس                      نیست از فرسنگ آن آگاه کس</p>	<p>۲۱</p>												
<p>۰/۲۵</p>	<p>شاعر در بیت «گفت: دیناری بده پنهان و خود را وارهان / گفت: کار شرع کار درهم و دینار نیست» به کدام پدیده اجتماعی اشاره کرده است؟</p>	<p>۲۲</p>												
<p>۰/۵</p>	<p>متن‌های زیر چه مفهوم مشترکی دارند؟                      «من نماز را وقتی می‌خوانم / که اذانش را باد گفته باشد سرگلدسته سرو»                      «صحرايي که حتی درختش، غارش، کوهش و سنگریزه‌اش آیات وحی را بر لب دارد.»</p>	<p>۲۳</p>												
<p>۰/۲۵</p>	<p>کدام یک از ابیات زیر، به سخن مشهور «کُلُّ شَيْءٍ يَرْجِعُ إِلَىٰ أُصْلِهِ» اشاره دارد؟                      (۱) کز نیستان تا مرا بریده‌اند در نفی‌رم مرد و زن نالیده‌اند                      (۲) هر کسی کاو دور ماند از اصل خویش باز جوید روزگار وصل خویش</p>	<p>۲۴</p>												
<p>۰/۵</p>	<p>مفهوم کنایه‌های زیر را بنویسید.                      (الف) دیدم توطئه ما دارد می‌ماسد.                      (ب) از این بهانه تراشی‌هایش داشتم شاخ در می‌آوردم.</p>	<p>۲۵</p>												
<p>۰/۵</p>	<p>مفهوم مرتبط با هر گزینه را از کمانک مقابل آن انتخاب کنید.                      (الف) هر روز باید دگری واحد را مکرر بخوانم و آن چه را قدیمی است، قدیمی ندانم (پرهیز از کهنه‌گرایی / نامکثر بودن قضه عشق)                      (ب) گلّه ما را گلّه از گرگ نیست کاین همه بیداد شبان می‌کند                      (از ماست که بر ماست / عدالت خواهی)</p>	<p>۲۶</p>												
<p>۱</p>	<p>هریک از ابیات زیر، کدام وادی از هفت وادی «منطق الطیر» را به یاد می‌آورد؟                      (الف) مرد حیران چون رسد این جایگاه در تحیر مانده و گم کرده راه                      (ب) هشت جنت نیز این جا مرده‌ای است هفت دوزخ همچو بیخ افسرده‌ای است</p>	<p>۲۷</p>												
<p>۱</p>	<p>با توجه به ابیات زیر، به پرسش‌ها پاسخ دهید.                      «کس چون تو طریق پاکبازی نگرفت                      زمین پیش دلاورا، کسی چون تو شگفت                      (الف) مخاطب شاعر در این دو بیت کیست؟                      (ب) مقصود از به بازی گرفتن حیثیت مرگ چیست؟                      (ج) حیثیت مرگ را به بازی نگرفت»</p>	<p>۲۸</p>												
<p>۱</p>	<p>هریک از بیت‌های ستون اول با کدام مفهوم در ستون دوم متناسب است؟ (یک مفهوم اضافی است.)</p> <table border="1" data-bbox="293 1640 1328 1956"> <thead> <tr> <th>ستون اول (بیت‌ها)</th> <th>ستون دوم (مفاهیم)</th> </tr> </thead> <tbody> <tr> <td>(الف) از دست و زبان که برآید / کز عهده شکرش به درآید</td> <td>ناپایداری قدرت</td> </tr> <tr> <td>(ب) من که هر آن چه داشتم اول ره گذاشتم / حال برای چون تویی اگر که لایقم بگو</td> <td>دشواری راه عشق</td> </tr> <tr> <td>(ج) خانه‌ای کاو شود از دست اجانب آباد / ز اشک ویران کنش آن خانه که بیت‌الجزن است</td> <td>بیگانه‌ستیزی</td> </tr> <tr> <td>(د) کاووس کیانی که کی اش نام نهادند / کی بود؟ کجا بود؟ کی اش نام نهادند؟</td> <td>از جان گذشتگی عاشق</td> </tr> <tr> <td></td> <td>ناتوانی در سپاس‌گزاری از خداوند</td> </tr> </tbody> </table>	ستون اول (بیت‌ها)	ستون دوم (مفاهیم)	(الف) از دست و زبان که برآید / کز عهده شکرش به درآید	ناپایداری قدرت	(ب) من که هر آن چه داشتم اول ره گذاشتم / حال برای چون تویی اگر که لایقم بگو	دشواری راه عشق	(ج) خانه‌ای کاو شود از دست اجانب آباد / ز اشک ویران کنش آن خانه که بیت‌الجزن است	بیگانه‌ستیزی	(د) کاووس کیانی که کی اش نام نهادند / کی بود؟ کجا بود؟ کی اش نام نهادند؟	از جان گذشتگی عاشق		ناتوانی در سپاس‌گزاری از خداوند	<p>۲۹</p>
ستون اول (بیت‌ها)	ستون دوم (مفاهیم)													
(الف) از دست و زبان که برآید / کز عهده شکرش به درآید	ناپایداری قدرت													
(ب) من که هر آن چه داشتم اول ره گذاشتم / حال برای چون تویی اگر که لایقم بگو	دشواری راه عشق													
(ج) خانه‌ای کاو شود از دست اجانب آباد / ز اشک ویران کنش آن خانه که بیت‌الجزن است	بیگانه‌ستیزی													
(د) کاووس کیانی که کی اش نام نهادند / کی بود؟ کجا بود؟ کی اش نام نهادند؟	از جان گذشتگی عاشق													
	ناتوانی در سپاس‌گزاری از خداوند													
<p>۴۰</p>	<p>★ موفق و مؤید باشید. ★</p>													

## آزمون‌های ۱ تا ۸

# پاسخ‌نامه تشریحی

### آزمون ۱

### شهریور ۱۳۹۹

۱ الف) بلند، بالیده (۰/۲۵) ب) خشمگین و قهرآلود (۰/۲۵)  
ج) خوراک، رمق، نیرو (۰/۲۵) د) گردشگاه، تماشاگاه (۰/۲۵)

۲ گزینه «۲» (۰/۲۵)

۳ واژه اندیشه (۰/۲۵)

۴ الف) مُصر (۰/۲۵) ب) غربت (۰/۲۵)

۵ گزینه «۱» (۰/۲۵)

۶ حریوه: هریوه (۰/۲۵) طلالو: تلالو (۰/۲۵)  
خاسته: خواسته (۰/۲۵)

۷ گزینه «۲» (۰/۲۵)

۸ الف) صفت مضاف الیه (۰/۲۵) ب) قید صفت (۰/۲۵)

۹ وابسته‌ساز: که (۰/۲۵)؛ هم‌پایه‌ساز: اما (۰/۲۵)

۱۰ الف) شهریار (۰/۲۵) ب) حرف اضافه (۰/۲۵)  
ج) ترکیب اضافی: جان کاووس کی (۰/۲۵)

۱۱ الف) گل و گیاه پشم گوسفندان را رنگین کرده است. (۰/۲۵)  
ب) واو عطف (۰/۲۵) ج) ماضی نقلی (۰/۲۵)  
د) قرینه لفظی (۰/۲۵)

۱۲ الف) بیداری ستاره در چشم جویباران (۰/۵)  
ب) ای محسن شهید من ای حسن بی‌گناه (۰/۵)  
ج) اگر خوابم اگر بیدار (۰/۲۵)؛ میهن ای میهن! (۰/۲۵)

۱۳ الف) ملّی (۰/۲۵) ب) داستانی (۰/۲۵)

۱۴ عشق (می‌بیند، می‌جوید) (۰/۲۵)  
دست زمان (۰/۲۵)

۱۵ گزینه «۱» (۰/۲۵)

۱۶ الف) اسلوب معادله (۰/۲۵) ب) ابهام (۰/۲۵)  
ج) حس‌آمیزی (۰/۲۵) ه) حسن تعلیل (۰/۲۵)

۱۷ ظلم و ستم (۰/۲۵)

۱۸ جمال و کمال (۰/۵)

۱۹ الف) اخوان ثالث (۰/۲۵) ب) عطار (۰/۲۵)

۲۰ الف) قصه‌های دوشنبه: آفونس دوده (۰/۵)

۲۱ الف) هر نفسی که پایین می‌رود (دم) (۰/۲۵)، یاری‌کننده زندگی است (۰/۲۵) و هنگامی که بالا می‌آید (بازدم) (۰/۲۵)، شادی بخش وجود است. (۰/۲۵)

ب) هر کس بنا بر گمان و پندار خود یار من شد (۰/۲۵) و اسرار من را از درونم جست‌وجو نکرد. (۰/۲۵)

ج) اگر این چنین است که در این اتفاق من گناهکار هستم (۰/۵)، خداوند جهان‌آفرین، من را (از آتش) حفظ نمی‌کند. (۰/۵)

د) انسان به هر جایگاهی که می‌رسد، گمان می‌کند به کمال مطلوب خود رسیده است. (۰/۵)

ه) در جهان، کسی از این راه باز نگشته است (۰/۲۵) و کسی از مسافت آن آگاهی ندارد. (۰/۲۵)

۲۲ رشوه‌خواری (۰/۲۵)

۲۳ همه اجزای هستی در حال عبادت خدا هستند. (۰/۵)

۲۴ گزینه «۲» (۰/۲۵)

۲۵ الف) نقشه ما دارد عملی می‌شود. (۰/۲۵)  
ب) خیلی متعجب شدم. (۰/۲۵)

۲۶ الف) نامکرر بودن قصه عشق (۰/۲۵)  
ب) از ماست که بر ماست (۰/۲۵)

۲۷ الف) وادی حیرت (۰/۵) ب) وادی استغنا (۰/۵)

۲۸ الف) جانبازان یا شهدای جنگ (۰/۵)  
ب) بی‌اعتبار کردن مرگ (۰/۵)

۲۹ ۱) ناتوانی در سپاس‌گزاری از خداوند (۰/۲۵)

۲) از جان‌گذشتگی عاشق (۰/۲۵)

۳) بیگانه‌ستیزی (۰/۲۵) ۴) ناپایداری قدرت (۰/۲۵)